

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقات منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

رصدنامه روزانه اندیشکده‌ها، خبرگزاری‌ها، مجلات آمریکایی | مختص مطالعه نخبگان | دوشنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۳ | سال سوم شماره ۷۳۵

موشک‌های ایران بر دفاع اسرائیل غلبه کرده است!



«هر چه موشک سریع‌تر باشد، رهگیری آن سخت‌تر است.» مطمئناً دفاع در برابر موشک‌های بالستیک جدید ایران بسیار سخت‌تر است و حتی اگر تعداد زیادی از آن‌ها روی یک هدف خاص متمرکز شوند، بسیار سخت‌تر خواهد بود، زیرا در این صورت شما توانایی غلبه بر پدافند ضد موشکی را نخواهید داشت، این دقیقاً همان چیزی است که در اسرائیل اتفاق افتاد.» بر اساس تحلیل پروفیسور جفری لوئیس، تصاویر ماهواره‌ای از یک هدف در روز سه‌شنبه، پایگاه هوایی نواتیم در جنوب اسرائیل، محل استقرار جنگنده‌های جت اف-۳۵، نشان می‌دهد که ۳۲ موشک ایرانی موفق به فرود در محدوده پایگاه شدند.

ادامه در صفحه ۲

واکنش نظامی خود است. تهران تهدید کرده که اگر اسرائیل در روزهای آینده به خاک ایران حمله کند، به نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های نفت این رژیم حمله خواهد کرد. برخلاف روز ۱۳ آوریل، زمانی که ایران تعداد زیادی موشک کروز و پهپادهای رده پایین شلیک کرد، رگبار روز سه‌شنبه منحصراً از حدود ۱۸۰ موشک بالستیک بسیار سریع‌تر تشکیل شده بود که یکی از بزرگ‌ترین حملات در تاریخ جنگ این کشور بود. تحلیل‌گران می‌گویند که بیشتر این پرتابه‌ها مدرن‌ترین موشک‌های بالستیک ایران، فتاح-۱ و خیبرشکن اپ‌تاب کردند. اولریش گن، رئیس تحقیقات کنترل تسلیحات در مؤسسه تحقیقات صلح و سیاست امنیتی در هامبورگ آلمان گفت:

وال استریت ژورنال باروسلاو تروفیموف |

محققان مستقلی که تصاویر ماهواره‌ای را بررسی کردند، گفتند که رگبار موشک‌های بالستیک ایران در این هفته، به‌رغم ایجاد خسارت محدود، به نظر می‌رسد که پدافند هوایی اسرائیل را در برخی نقاط تحت تأثیر قرار داده است. این بدان معناست که هرگونه حمله جدید ایران علیه اسرائیل، در صورتی که زیرساخت‌های غیرنظامی یا مناطق مسکونی پرجمعیت را هدف قرار دهد، می‌تواند عواقب بسیار جدی‌تری داشته باشد. این یک تهدید مهم است، زیرا اسرائیل در حال بررسی

۱۵

قتل حسن نصرالله
انتقام ایران و پاسخ نتانیاهاو

۱۲

بررسی مدل آلمان غربی برای
عضویت اوکراین در ناتو؟

۶

رئیس‌جمهور بعدی و مبادلات
در سیاست اقتصادی آمریکا

موشک‌های ایران بر دفاع اسرائیل غلبه کرده است!



بحران مسئله نفت بهار وسیه نیز ضربه می‌زند

ام‌اس‌ان امروز بیچاره!

نفت سگی است که از زمان انفجار غرب آسیا پارس نکرده است. اگر ایران در نیم قرن گذشته یک حمله موشکی تمام عیار به اسرائیل انجام می‌داد، قیمت نفت خام به سمت منطقه خطر می‌رفت.

این آرامش عجیب شاید به این دلیل باشد که جهان هنوز عظمت آنچه در حال رخ دادن است را درک نکرده است.

قیمت‌های آتی برنت افزایش یافته و به نظر نمی‌رسد از ۷۸ دلار در هر بشکه عبور کند.

عربستان حتی در روزهای اخیر هشدار داده که قیمت‌ها ممکن است تا ۵۰ دلار کاهش یابد. این در مقایسه با ۱۲۰ دلار در اواسط

سال ۲۰۲۲ پس از حمله روسیه به اوکراین یا ۱۴۸ دلار در اواسط سال ۲۰۰۸ در اوج رونق

چین - تقریباً ۲۱۶ دلار به پول امروزی است. کارتل اوپک-روسیه در تلاشی ناموفق برای

بالا بردن قیمت‌ها به هدف عربستان یعنی ۱۰۰ دلار، یعنی سطح مالی سرسام آور

مورد نیاز برای تامین مالی جاه طلبی‌های محمد بن سلمان، ۳ میلیون بشکه در روز را

متوقف کرده است. این سیاست سهم بازار را به رقبای غیر اوپک با سرعتی سرسام آور

واگذار کرده است. سعودی‌ها صبر خود را از دست داده‌اند.

دلیل عمیق تر ژئواستراتژیکی آرامش این است که ایران دیگر نمی‌تواند به طور

قابل قبولی تهدید کند که در صورت حمله به آن، یک بحران انرژی ایجاد می‌کند، زیرا

چنین بحرانی به دوست بزرگش بسیار بیشتر از دشمن بزرگش آسیب می‌زند.

مطبوعات اسرائیل گزارش می‌دهند که نتانیاهو در حال بررسی حملات بزرگ به زیرساخت‌های

نفتی و تأسیسات بندری ایران است. چین امروز بزرگ‌ترین واردکننده نفت

خام جهان است. چین به طور کامل در استفاده از نفتکش‌های

«ناوگان سایه» برای دور زدن تحریم‌های نفتی غرب علیه ایران شریک است.

این امر اقتصاد ایران را سرپا ننگه می‌دارد و آن را قادر می‌سازد تا حلقه آتش خود را در اطراف اسرائیل، از حماس، حزب الله،

حوثی‌ها در یمن و علوی‌ها در سوریه و شبهه نظامیان شیعه در عراق، حفظ کند. از سوی دیگر، آمریکا دیگر نیازی

به نفت منطقه ندارد.

ibit.ly/ntyjd

لوتیس گفت: «۳۲ موشک بسیار کوبنده است. مادر مورتاثر بخشی پدافند هوایی ایده‌های عراق آمیزی داریم.» لوتیس گفت، در حالی که اسرائیل از سامانه‌های دفاع موشکی پیچیده آرو و آرو ۳ استفاده می‌کند که مشترک با آمریکا تولید می‌شوند، اما رهگیرها از نظر کمیت محدود و گران تر از موشک‌های ورودی ایرانی هستند. اغلب برای متوقف کردن یک هدف با الاستیک به چندین موشک رهگیر نیاز است.

هنوز تصاویری با وضوح بالا از پایگاه هوایی تل‌نوف، یکی دیگر از اهداف اصلی روز سه‌شنبه، در دسترس عموم قرار نگرفته است. فیلم‌های ویدئویی از منطقه،

انفجارهای ثانویه را نشان می‌دهد. این امر نشان می‌دهد مهمات پدافند هوایی در آنجا مورد اصابت قرار گرفته است. حداقل یک پرتابه نیز در شمال تل‌آویو،

صدها یار دورتر از مقر سازمان اطلاعات اسرائیل موساد فرود آمد.

موشک‌های ایرانی باید حدود ۵۵ مایل را طی کنند تا به اسرائیل برسند در چنین بردهای طولانی غیر دقیق هستند. تصاویر

نوآیند نشان می‌دهد که بیشتر موشک‌ها به مناطق خالی پایگاه یا جاده‌ها برخورد می‌کنند که به نظر می‌رسد تنها یکی از

آن‌ها به آشیانه اصابت کرده است. ارتش اسرائیل گفت که نوآیند به طور

عادی عمل می‌کنند و هوایماهای مستقر در آنجا در روزهای اخیر حملات هوایی را در سراسر منطقه انجام داده‌اند. برخی از

حملات در مرکز اسرائیل و برخی از حملات به جنوب، از جمله برخی از حملات به پایگاه‌های نیروی هوایی، انجام شد، اما چیزی به عملکرد و سطوح عملیاتی ما آسیب نرساند. سرهنگ ناداوشوشانی،

سخنگوی ارتش اسرائیل، گفت: «هیچ هوایما، هیچ انسان و هیچ قابلیت مهمی آسیب ندیده است. وی گفت که اسرائیل

جزئیات بیشتری در مورد این خسارت منتشر نمی‌کند تا اطلاعاتی در اختیار دشمنانش قرار ندهد.»

اسرائیلی‌ها در اولویت بندی و حفاظت از چیزهایی که باید محافظت شوند، درخشان هستند. رگبار ایران نوع خسارتی را که متناسب با منابع مصرف شده باشد، جبران نکرده است. اسرائیل مشخص نکرده که چه نوع اهدافی را در داخل ایران جستجو خواهد کرد، اگرچه بنیامین نتانیاهو،

متعهد شده که پاسخ سنگینی به ایران بدهد. اما ایران حمله روز سه‌شنبه خود را انتقام ترور رهبران حزب الله لبنان و حماس اعلام کرد.

آسیب رساندن به یک پایگاه هوایی گسترده در وسط بیابان پیچیده تر از ضربه زدن به سایت‌های زیرساختی در مناطق پرجمعیت است. اسرائیلی‌ها بیشتر به دفاع از تل‌آویو اهمیت می‌دهند تا دفاع از نوآیند. از سوی دیگر، آن‌ها در نهایت همان مشکل را در آنجا خواهند داشت و ایرانی‌ها می‌توانند بر این سیستم غلبه کنند.»

فایان هیتز، پژوهشگر تحلیل دفاعی و نظامی در مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، گفت: «زرادخانه

موشکی ایران و حتی مهمتر از آن، توانمندی‌های موشکی آن، احتمالاً جزو اهداف اولویت‌دار اسرائیل خواهد بود.»

اندازه زرادخانه‌های موشکی ایران جزو اسرار ملی آن است. ژنرال کنت مک‌کنزی

در جلسه استماع سنا در سال ۲۰۲۲، زمانی که فرمانده سننکام بود گفت که

ایران بیش از ۳۰ هزار موشک با الاستیک از انواع مختلف دارد که برخی از آن‌ها

می‌توانند به راحتی به اسرائیل برسند. اکثر این موشک‌ها برد کوتاه‌تری دارند

و برای هدف قرار دادن تأسیسات نفتی در منطقه خلیج فارس توسعه یافته‌اند.

به گفته هیتز، در حالی که ذخایر موشکی جمهوری اسلامی در تأسیسات زیرزمینی

سختی قرار دارد که نفوذ به آن‌ها دشوار است، کارخانه‌های تولید موشک‌های

ایران کمتر محافظت می‌شوند. آن‌ها چند گلوگاه بسیار مهم هستند.

https://tinyurl.com/y12j9r34

سیاست خارجی هریس در مقابل اسرائیل

ریل کلیرولد

کنین اسپواک |

کاملاً هریس می‌خواهد رئیس‌جمهور شود و هرچه لازم باشد برای رسیدن به آن می‌گوید. راه‌حل اصلی او برای ایالت‌های نوسانی اتخاذ مواضع آزمایش شده در نظرسنجی است، حتی اگر برخلاف ارزش‌ها و باورهای او باشد. وقتی بهترین شرایط در یک ایالت موقعیت او را در ایالت دیگر یا حمایت کمک‌کنندگان بزرگ وی را به خطر می‌اندازد، او تا کنیک‌های خود را تنظیم می‌کند.

هریس شخصاً به شدت به نفع فلسطینی‌ها و نیابتی‌های ایران متمایل می‌شود. از زمان تشکیل دولت بیهود در سال ۱۹۴۸، هم احزاب سیاسی و هم اکثر آمریکایی‌ها به شدت از اسرائیل به دلیل تعهد به دموکراسی و ارزش‌های مشترک، همکاری با آمریکا در زمینه‌های اطلاعاتی و اهداف بین‌المللی و اخیراً رهبری آن در علم، فناوری و... حمایت کرده‌اند.

با ظهور ایدئولوژی ترقی‌خواه، حمایت از اسرائیل در سمت‌چپ شکسته شده است. کسانی مانند هریس که از این عقاید پیروی می‌کنند، جهان را قلمرو ستمگران و ستم‌دیدگان می‌دانند. آمریکا، اسرائیل، سفیدپوستان و یهودیان ستمگران را رهبری می‌کنند، در حالی که سیاه‌پوستان و فلسطینی‌های آمریکایی قربانیان آن‌ها هستند.

ترقی‌خواهان اسرائیل را به دلیل جابجایی فلسطینی‌ها و فرستادن آن‌ها به گتوهای غزه و کرانه باختری مورد تمسخر قرار می‌دهند. آن‌ها اسرائیل را متهم می‌کنند که یک ملت آپارتاید است. ترقی‌خواهان ابتدا خود را با اراک اواما و سپس با دولت بایدن-هریس پیدا کردند. هر دو به دنبال فاصله گرفتن از اسرائیل و روابط نزدیک‌تر با ایران بودند. آن‌ها میلیاردها دلار را به ایران و نیروهای نیابتی‌اش تحویل دادند. هریس با خطری روبرو می‌شود که هیچ نامزد دموکرات با آن مواجه نشده است. او عشقی به اسرائیل ندارد.

هریس تا حد زیادی در مورد شیوع یهودستیزی سکوت کرده است. او مشاوران چپ افراطی را که مخالف عملیات اسرائیل در غزه هستند، انتخاب و سخنرانی بنیامین نتانیاهودر کنگره، تحریم کرد. به نظر می‌رسد هریس نگران این نیست که اسرائیل چگونه از ایران هسته‌ای و حلقه‌ای از نمایندگان جمهوری اسلامی جان سالم به در می‌برد.

ibit.ly/Vrcgs

جو بایدن چگونه تجاوز ایران به اسرائیل را تقویت می‌کند



دانشگاهیان پیشنهاد می‌کنند، بلکه اعتماد بیش از حد است.

کاخ سفید همچنین ممکن است از خارج از جبهه غرب آسیا درس بگیرد. نسلی از دیپلمات‌ها و مشاوران امنیت ملی از برنت اسکوگرافت گرفته تا کالین پاول تا کاندولیزا رایس سخنان کره شمالی را رد کردند یا شکست‌های آزمایش موشکی و هسته‌ای را جشن گرفتند؛ اما حکومت‌های سرکش می‌توانند از شکست درس‌های زیادی بیاموزند. ایران دوبار برای حمله به اسرائیل تلاش کرده است. بررسی آن‌ها دوبار شکست خورد، اما این بدان معنا نیست که آن‌ها تسلیم خواهند شد. بلکه از اشتباهات خود درس می‌گیرند و تا کنیک‌های خود را تنظیم می‌کنند. همان‌طور که حماس ۱۰۰ بار شکست خورد قبل از اینکه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ فراتر از رویاهای خود موفق شود، ایران نیز ممکن است قبل از موفقیت بارها شکست بخورد. اگر درسی وجود دارد که بایدن یا رئیس‌جمهور بعدی آمریکا باید بیاموزد، این است که هیچ مقدار دیپلماسی دشمن ایدئولوژیک را تسکین نخواهد داد. فقط آن‌ها را توانمند می‌کند. احیای بازدارندگی حداقل نیازمند اقدام نظامی محدود است. وضعیت موجود قابل تحمل نیست. زمان روزه اتمام است.

ibit.ly/D-CUe

دلیل ناقص است. اولاً، طیف واقعی افکار در ایران از ضد جمهوری اسلامی تا وفاداران جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد. اگر یک چهارم مردم طرفدار جمهوری اسلامی باشند، تنها بخش کوچکی از آن تندرو خواهند بود. اکثریت قریب به اتفاق شاید سه چهارم جمعیت از هر جهت با حکومت دینی مخالفاند. اواما و بایدن نیز با نشان دادن صداقت خود بر اصلاح‌طلبان اشتباه کردند. تفاوت بین تندروها و اصلاح‌طلبان فلسفی است تا تا کنیک؛ به عبارت دیگر، بایدن، بلینکن و سالیوان به ترفند قدیمی پلیس خوب و پلیس بد (یک تا کنیک روان‌شناختی است که در بازجویی و مذاکره استفاده می‌شود که در آن تیمی متشکل از دونفر رویکردهای مخالفی را در مورد موضوع اتخاذ می‌کنند) افتادند. در نهایت، تیم بایدن بازدارندگی را اشتباه درک می‌کند. بازدارندگی صرفاً یک استراتژی لفاظی نیست. جابجایی کشتی‌ها و هواپیماها کافی نیست. حکومت ایران باید باور کند که آمریکا مستقیماً از نیروی خود علیه دارایی‌های ایران استفاده خواهد کرد. به هر حال، فارس‌ها اهمیتی نمی‌دهند که اعراب به خاطر ایران بمیرند. فقط برایشان مهم است که ایرانی‌ها بمیرند. جنگ‌ها در غرب آسیا ناشی از نفت یا آب نیست، آن‌طور که بسیاری از

امریکن انترپرایز مایکل روبین |

آیا کاخ سفید از حملات ایران درسی خواهد گرفت؟ برای دومین بار در ۶ ماه گذشته، جمهوری اسلامی ایران رگبار ۱۸۱ موشکی را به سمت اسرائیل پرتاب کرده است. هر بار، دولت بایدن در کنار اسرائیل ایستاده است و قابلیت‌های نظامی مستقر را برای کمک به اسرائیل در خنثی کردن حمله‌های بعدی به اسرائیل داده است. دولت مردان آمریکا، از خود جو بایدن گرفته تا آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه و جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی، هر کدام به صراحت در کنار اسرائیل ایستادند.

با این حال، چیزی که مشخص نیست این است که آیا هیچ یک از مقامات ارشد بایدن درس‌هایی را در مورد اینکه چگونه سیاست‌های خود ایران را توانمند می‌سازد و به رویدادهای امروزی هدایت می‌کند، پذیرفته است یا خیر. اگر هر یک از ده‌ها موشک بالستیک که ایران به سمت سایت هسته‌ای دیمونا شلیک کرد به هدف خود می‌رسید، وضعیت به مراتب متفاوت بود.

تیم اواما و بایدن نیز اساساً سیاست ایران را اشتباه خوانده‌اند. هر دو معتقد بودند که بین اصلاح‌طلبان حکومت و تندروها دوگانگی وجود دارد. این ساختار به دو

آسیب‌پذیری‌های تایوان فراتر از ارتش است

می‌کند که تایوان از زیرساخت‌های حیاتی محافظت کند و حمایت وزارت دفاع آمریکا را در این حوزه افزایش دهد. بازی‌های جنگی و شبیه‌سازی‌ها نشان‌دهنده واقعیت‌نیستند و توصیه‌های خط‌مشی بر اساس دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان شکل می‌گیرد. کارشناسان تایوان نظرات متفاوتی دارند در مورد اینکه چه ترکیبی از اقدامات چین، به جز تهاجم، ممکن است جمعیت تایوان را مجبور به تغییر به سمت اتحاد مجدد کند. یک نظرسنجی انجام شده در سال گذشته نشان داد که ۱۱٫۵ درصد از حفظ وضعیت موجود حمایت کردند و فعالیت‌های منطقه خاکستری چین تهدیدی شدید برای تایوان است. تایوان قبلاً اختلالات مشابهی را تجربه کرده است، مانند ماهیگیری و کشتی‌های باری چینی که کابل‌های اینترنت را به جزایر ماتسو قطع و تلویزیون‌های فروشگاه‌های رفاه راهک کردند.

<https://shorturl.at/XV24h>



می‌کند و در صورت نیاز مبادله ارز اضطراری را تسهیل کند. این گزارش همچنین بر امنیت سایبری و انرژی تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌کند که تایوان سیاست هسته‌ای خود را بازگرداند، ظرفیت ذخیره‌سازی گاز LNG را افزایش دهد و انرژی خورشیدی توزیع شده را توسعه دهد. این گزارش همچنین پیشنهاد

می‌تواند کل جزیره را به سمت رهبری سیاسی که برای اتحاد مجدد مطلوب‌تر است، سوق دهد. برای مقابله با این خطرات، این گزارش توصیه می‌کند که با تمرکز بر بخش مالی، آسیب‌پذیری‌های آشکار تایوان اصلاح شود. نویسندگان همچنین پیشنهاد می‌کنند تایوان مسیری از بورس خود در آمریکا ایجاد

فان پالیسی لیلی پائیکا

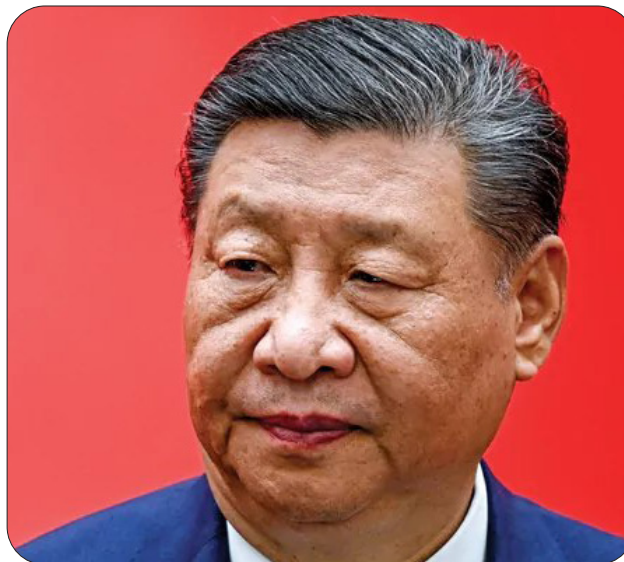
بازی‌های جنگی تایوان به یک رویه استاندارد برای چین در مدل‌سازی مسیرهایی برای اتحاد مجدد دموکراسی جزیره تبدیل شده است. با این حال، این بازی‌ها اغلب بر قدرت سخت تمرکز می‌کنند. این تغییر در تفکر نشان‌دهنده تمرکز تایوان بر انعطاف‌پذیری کل جامعه و اجتناب از تشدید جهانی است. یک گزارش و طرح توسط کمیته امنیت ملی و کمیته‌های محلی دیگر که اولویت‌های دولت تایوان را در ضدگلوله کردن جامعه معین خواهند کرد در حال اجرا است. این طرح شامل چهار سناریو بود که مهم‌ترین آن شامل کارزار چند ساله پکن، کارزار شدیدتر آن شامل حملات سایبری چین و دو تاکتیک تهاجمی منطقه خاکستری است. منطق کلی این است که اگر چین این سناریوها را با چرخه انتخابات تایوان هماهنگ کند، مبارزات انتخاباتی

چرا چین غیر قابل سرمایه‌گذاری است؟

مشهور آمریکایی، هنگامی که در «سی‌ان‌بی‌سی» گفت: «همه چیز را بخريد» باعث مهاجرت آمریکایی‌ها به چین شد.

اقتصاد چین باید دستخوش اصلاحات ساختاری اساسی شود؛ اما شی، ثبات سیاسی را به اقتصاد پویا ترجیح می‌دهد. چین با چالش‌های زیادی مواجه است که شی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد با آن‌ها مقابله کند. در بیشتر اقتصادهای مدرن، مصرف خانوارها ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. در چین، مصرف شخصی تنها ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. باز هم خانوارهای چینی نرخ پس‌انداز شخصی بسیار بالایی دارند زیرا هیچ سیستم تأمین اجتماعی برای حمایت از آن‌ها وجود ندارد. علاوه بر این، به دلیل سیاست فاجعه‌بار چین برای تک‌فرزندی، سالمندان می‌دانند که نمی‌توانند به فرزندان خود تکیه کنند. مردم چین باید پس‌انداز کنند و گزینه در فقر خواهند مرد.

ibit.ly/CifQg



عملکرد شرکت‌های بزرگ استفاده می‌شود) آمریکا تقریباً ۳۰۰ درصد در دوره مشابه افزایش یافته است. تعجب آور نیست که سرمایه‌گذاران چینی و صندوق‌های تأمین‌ی آمریکا با اعلام محرک‌های دولتی وارد بازار سهام چین شدند. دیوید تپر، مدیر صندوق سرمایه‌گذاری

زیرا شبکه ایمنی ملی برای سلامت یا بازنشستگی وجود ندارد. بازار سهام چین در ۱۵ سال گذشته یکسان شده است. در مقابل، شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰ (فهرستی از ۵۰۰ سهام برتر در بازار بورس سهام نیویورک و نزدک است. از این فهرست جهت قیاس در معاملات، خرید و فروش سهام و نیز جهت ارزیابی

ریستورینگ آمریکا جیمز روغان

ماه گذشته، چین بزرگ‌ترین تزریق محرک پولی خود را از زمان همه‌گیری کرونا انجام داد. دولت همچنین نشان داد که محرک‌های مالی در راه است. شی جین‌پینگ، رئیس حزب کمونیست چین، می‌خواهد اقتصاد رو به افول چین را احیا کند. چین می‌گوید اقتصاد این کشور با نرخ بیش از ۵ درصد رشد می‌کند، اما با توجه به داده‌های ضعیف تولید، کاهش مصرف خانوارها و سیستم بانکی که از کار افتاده است، این امر قابل قبول به نظر نمی‌رسد. بعید است که اقدامات محرک باعث احیای مجدد اقتصاد چین شود. دولت به مشکلات اساسی اقتصادی خود رسیدگی نمی‌کند: انحراف سرمایه از بخش خصوصی مولدتر به بخش دولتی ویرانگر سرمایه، تمرکز بر امنیت ملی بر رشد اقتصادی، افزایش سرمایه در سیستم بانکی آن، بازار مسکن مسکونی که در رکود عمیق قرار دارد و بخش خانواری که تمایلی به خرج کردن ندارد

نخست وزیر اسرائیل بسیار مقتدر است



اسپکتیتور نایل فرگوسن / جی منزا

در خانه، چپ‌ها او را بدبین و فاسد می‌بینند. در حالی که راست او را خسته، ضعیف و جاه‌طلب می‌بینند. در خارج از کشور، او تقریباً در سراسر جهان منفور و بی‌اعتماد است و با این حال، هیچ‌کس نمی‌تواند منکر تسلط ماکیاولیستی وی در بازی کثیف سیاست داخلی و بین‌المللی شود. تاریخ مدرن تنها دو شخصیت را به وجود آورده است که با این توصیف مطابقت داشته باشد. اولین نفر، صدراعظم آهین آلمان، اتو فون بیسمارک است. نفر دوم، نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا هو است. نتانیا هو تقریباً ۱۴ سال از ۱۵ سال گذشته نخست‌وزیر بوده است. برای نزدیک به یک دهه، ماندن یا رفتن او مسئله اصلی سیاست اسرائیل بود. بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، اسرائیل پنج انتخابات برگزار کرد که در آن یکی از فریادهای اعتراض آمیز مخالفان «فقط

نتانیا هو نباشد» بود. در آگوست سال گذشته، اسرائیل توسط اعتراضات ضد نتانیا هو که صدها هزار نفر از جمله تقریباً همه اعضای نخبگان فرهنگی و حتی نظامی این کشور را به خیابان‌ها

حماس تا حد زیادی در غزه شکست خورده است و جنگجویان باقیمانده آن در تونل‌هایی در زیر تلی از آوار محصور شده‌اند. جالب‌تر اینکه اسرائیل موفق‌ترین عملیات مخفی قرن بیست و یکم را انجام داده و حدود ۳ هزار عامل حزب الله را با پیجرهای انفجاری مجروح نموده و در حال به راه انداختن جنگ در لبنان است و در ماه گذشته، به بیش از ۵ هزار هدف حمله کرده و ۱۶ عامل ارشد حزب الله را از بین برده است. در زمان نگارش این مقاله، ایران بیش از ۱۸۰ موشک بالستیک به سمت اسرائیل شلیک کرده است. او سیاست خارجی منحرف را با سیاست داخلی منحرف ترکیب کرده است. او یائیر لاپید چپ‌گرا را به‌عنوان وزیر دارایی و ایتامار بن گویر راست‌گرای تندرو را به‌عنوان وزیر امنیت ملی خود انتخاب و توده‌های محافظه‌کار را علیه بورژوازی لیبرال متحد کرد.

ibit.ly/SmDcb

انتقام‌جویی مورد انتظار بزرگ اسرائیل برای حمله ایران



نشنال توماس هاردینگ |

اقدام تلافی جویانه اسرائیل علیه رگبار موشک‌های بالستیک ایران قطعی است، اما چیزی که نامشخص است مقیاس آن است. «بسیار عظیم» و «نسبتاً عظیم»، پیش‌بینی‌هایی از ماهیت پاسخی است که کارشناسان اسرائیلی به «نشال» داده‌اند. حملات خیلی زود و با انتخاب اهدافی که خود را معرفی می‌کنند، اتفاق خواهند افتاد. سایت‌های نظامی، تأسیسات تولید نفت، برنامه هسته‌ای ایران، جنگ سایبری و ترورهای هدفمند همگی در دست بررسی هستند.

اسرائیل همیشه در نحوه انتقام‌گیری غیرقابل پیش‌بینی است. با این حال، دیدگاه سخت‌گیرانه‌ای وجود دارد که به دنبال آسیب اقتصادی به حکومت ایران با تأثیر بالقوه ضربه‌ای ناشی از دامن زدن به ناآرامی‌های مدنی است.

رسیدگی به ۹۰ درصد از صادرات نفت خام ایران، عمدتاً به چین، پایانه نفتی خارگ را با پالایشگاه آبادان که برای نیازهای داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد، در معرض دید

خود قرار می‌دهد. جنگ‌طلبان داخل دولت اسرائیل به شدت برای حمله به پروژه هسته‌ای ایران که در ماه آوریل از آن حمایت کردند، فشار می‌آورند. پروفیسور چارلز فرایلیش گفت: «سؤال واقعاً بزرگ این است که آیا اسرائیل از شرایط مساعد برای حمله به برنامه انرژی هسته‌ای استفاده می‌کند یا خیر».

از کار انداختن توانایی موشکی ایران گزینه دیگری است، با بمباران دسته‌جمعی که احتمالاً توسط برخی از ۳۹ عدد اف-۳۵

رادارگریز که توسط نیروی هوایی اسرائیل پرواز می‌شود، انجام می‌شود. در ماه آوریل، یک حمله به سامانه موشکی پدافند هوایی اس-۳۰۰ روسیه آسیب رساند، اما این بار این حمله می‌تواند در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر باشد و تویخانه‌های سراسر کشور از جمله تهران را هدف قرار دهد. محاسبات اسرائیل این است که آیا می‌تواند نیروی کافی اما نه بیش از حد برای ضربه زدن به حکومت به شدت منفور

ibit.ly/ZYweF

رئیس‌جمهور بعدی و مبادلات در سیاست اقتصادی آمریکا



فان افروز مایکل فرومن

در آوریل ۲۰۲۳، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا، انتقادی از اجماع نئولیبرالی که برای نزدیک به یک قرن به‌عنوان پایه و اساس سیاست اقتصادی بین‌المللی عمل کرده بود، ارائه کرد. سالیوان در یک سخنرانی گفت که آمریکا از دستور کار ادغام جهانی و آزادسازی تجارت خارج می‌شود. وی اذعان کرد: پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا یک جهان پراکنده را برای ایجاد نظم اقتصادی بین‌المللی جدید رهبری کرد و افزود: «چند دهه اخیر شکاف‌هایی را در این پایه‌ها آشکار کرد.»

سالیوان مدعی شد که برای محافظت از آمریکایی‌ها و مقابله با چین، واشنگتن دیگر از افزایش تعرفه‌ها، اعمال محدودیت بر صادرات و سرمایه‌گذاری خارجی و درگیر شدن در سیاست صنعتی داخلی خودداری خواهد کرد.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا بلافاصله پس از روی کار آمدن، آمریکا را از شراکت ترانس‌پاسیفیک خارج کرد و به اعمال تعرفه‌های گسترده بر چین و تعرفه‌های هدفمندتر بر متحدان و شرکا ادامه داد. رئیس‌جمهور جو بایدن بیشتر این تعرفه‌ها را حفظ کرد. او همچنین سرمایه‌گذاری عمومی را در ظرفیت تولید داخلی در بخش‌های با اولویت بالا بسیج کرد و در عین حال دسترسی چین به فناوری و سرمایه‌گذاری حیاتی آمریکا را محدود کرد.

دولت بایدن طیفی از ابزارهای اقتصادی را پذیرفته است: «کنترل صادرات، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تعرفه‌ها، سیاست‌های صنعتی و اجرای ضدانحصار». بسیاری از این ابزارها از حمایت گسترده دو حزبی برخوردار هستند. با این حال، اگر آن‌ها می‌خواهند اساس اجماع جدید و پایدار واشنگتن را تشکیل دهند، رئیس‌جمهور بعدی، ترامپ یا کامالا هریس باید رویکرد سیستماتیک‌تری برای استفاده از آن‌ها ایجاد کند. در بیشتر قرن گذشته، در پاسخ به

تعرفه‌های فاجعه‌بار اسموت هاولی در سال ۱۹۳۰، سیاست اقتصادی بین‌المللی آمریکا بر آزادسازی و یکپارچگی متمرکز بود. رقابت، کارایی و رشد معیارهای موفقیت بودند. این چارچوب به بسیاری از اهداف خود دست یافت و به بزرگترین کاهش فقر در تاریخ بشر کمک کرد، بازارهای جدید گسترده‌ای را به روی صادرات آمریکا باز کرد و مزیت نسبی شرکت‌های آمریکایی را به شدت تقویت کرد. در عین حال، این رویکرد دارای محدودیت‌های آشکاری بود؛ مهم‌تر از همه، توجه ناکافی به گروه‌های آسیب‌پذیر ویژه کارگران و جوامع آن‌ها. ظهور چین به‌عنوان یک رقیب استراتژیک، محدودیت‌های این رویکرد را بیشتر برجسته کرد. سیستم مبتنی بر قوانین به گونه‌ای طراحی نشده بود که اقتصاد آن قدر بزرگ و یکپارچه را در خود جای دهد و در عین حال مصمم به پیروی از مجموعه قوانین اساسی متفاوتی باشد.

برای تجارت، به‌ویژه، آزادسازی برای بهره‌برداری از مزیت نسبی و صرفه‌جویی در مقیاس، تحریک تجارت و سرمایه‌گذاری، قرار دادن شرکت‌های داخلی در معرض رقابت و بازارهای صادراتی بزرگ‌تر و ارائه انتخاب بیشتر و کالاهای ارزان‌تر به مصرف‌کنندگان دیده می‌شود. این بدان معنا نیست که رقابت، کارایی و رشد تنها ملاحظات سیاست تجاری بود. از دهه ۱۹۹۰ تا تصدی من به‌عنوان نماینده تجاری آمریکا در دوران دولت اواما، آزادسازی تنها به دلیل کاهش تعرفه نبود، بلکه ابزاری برای اهداف بزرگ‌تر، مانند حمایت‌های قوی‌تر از نیروی کار و محیط زیست، قوانین تقویت‌شده پیرامون استانداردهای فنی و غذایی، حمایت بیشتر از حقوق مالکیت معنوی و تقویت روابط با کشورهای حیاتی برای امنیت و رقابت آمریکا بود. تعرفه‌ها، به نوبه خود، می‌توانند اهداف متعددی داشته باشند: تکمیل سیاست صنعتی، خرید زمان برای تولیدکنندگان آمریکا برای تثبیت خود، یا کاهش وابستگی بیش از حد به یک کالای مهم استراتژیک. با این حال، تعرفه‌هایی که به‌طور یکسان بر کالاهای استراتژیک و غیراستراتژیک اعمال می‌شوند، می‌توانند هزینه‌هایی بیش از هر سود احتمالی را تحمل کنند. پیشنهادی را که ترامپ در مسیر مبارزات انتخاباتی مطرح کرده است، در نظر بگیرید: «تعرفه ۲۰ درصدی بر تمام واردات همراه با تعرفه ۶۰ درصدی بر واردات از چین». اقتصاددانان تخمین می‌زنند که این تعرفه جدید بیش از ۲ هزار و ۶۰۰ دلار در سال برای یک خانواده معمولی آمریکا هزینه دارد و این رقم

طیفی از هزینه‌های غیرمستقیم، از جمله اثرات رشد اقتصادی کندتر را در نظر نمی‌گیرد.

یکی از درس‌های اجماع قدیمی واشنگتن این است که سیاست اقتصادی بین‌المللی نمی‌تواند به تنهایی بایستد. باید با یک استراتژی برای کمک به موفقیت کارگران در یک اقتصاد به سرعت در حال تغییر همراه باشد. در حالی که تجارت از میلیون‌ها شغل پردرآمد در آمریکا حمایت کرده است، همچنین به تأثیری که فناوری در توخالی کردن جوامع در سراسر کشور داشته است، کمک کرده است.

هرگونه سیاست تجاری کارگر محور یا سیاست خارجی برای طبقه متوسط، بدون یک سیاست داخلی که برای یادگیری و بازآموزی مادام‌العمر، استراتژی‌های مکان محور که نیازهای مناطق خاص را برآورده می‌کند و سایر مداخلات برای تضمین فرصت‌ها برای کارگران و جوامع، ناقص است. دولت بایدن چندین ایده در این زمینه ارائه کرده است، اما تعداد کمی از آن‌ها آن را به قانون تبدیل کرده‌اند. دولت هریس با ترامپ با تمرکز بر بهبود رفاه کارگران آمریکایی و اطمینان از اینکه مزایای رشد اقتصادی به‌طور گسترده مشترک است، باید این کار ناتمام را به پایان برساند.

<https://B2n.ir/j/13630>

آمریکا باید «زرادخانه دموکراسی» را احیا کند



نیوزویک ایلان برمن |

در زمستان ۱۹۴۰، با جنگ در سراسر اروپا، رئیس‌جمهور سابق، فرانکلین دی روزولت، آنچه را که مشهورترین سخنرانی عمومی او بود، ارائه کرد. رئیس‌جمهور در یکی از گفت‌وگوهای خود در کنار آتش، از مردم آمریکا خواست که بسیج صنعتی عظیمی برای مقابله با تهدید موج سوم حمله هیتلر تشکیل دهند. فرانکلین استدلال کرد که تنها از این طریق، آمریکا می‌تواند به «زرادخانه بزرگ دموکراسی» تبدیل شود که قادر به حفظ کشورهای خط مقدم غرب است.

مردم آمریکا گوش دادند. ظرف نیم دهه، کارخانه‌ها و صنایع ما توانستند نزدیک به صد هزار هواپیمای بمب‌افکن، تقریباً ۹۰ هزار تانک و بیش از ۲ میلیون کامیون تولید کنند که به یک تلاش واقعاً ملی تبدیل شد.

حدود هشت دهه از این ماجرا به جلو حرکت می‌کنیم و همه این‌ها مانند یک خاطره دور و دراز به نظر می‌رسد. محیط سیاسی فراهزی امروزی بحث‌های داغ را در مورد همه چیز از کنترل اسلحه گرفته تا سقط جنین روی میز دارد و تصور نوع وحدت ملی ناشی از فراخوان فرانکلین برای اقدامات مهم را سخت کرده است.

این نشان دهنده یک مشکل بزرگ است، زیرا موفقیت استراتژیک آمریکا که زمانی غیرقابل تجاوز بود (که امنیت جهانی را در طول دهه‌های جنگ سرد پشتیبانی می‌کرد)، به‌طور پیوسته در حال فرسایش است. رابرت گیتس، وزیر دفاع پیشین اخیراً گفت: «ارتش ما در حال کوچک شدن است، نیروی دریایی ما کشتی‌های جنگی را سریع‌تر از ساخت کشتی‌های جدید از رده خارج می‌کند، نیروی هوایی ما از نظر اندازه راکد شده و تنها بخشی از نیروی ما برای نبرد در دسترس است.» به‌طور قابل توجهی، پایگاه دفاعی-صنعتی آمریکا که زمینه را برای پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم فراهم کرد، اکنون تنها سایه‌ای از خود سابقش شده است. گیتس می‌گوید: «پس از دهه‌ها غفلت، [این کشور] نمی‌تواند سیستم‌های تسلیحاتی بزرگ را با تعداد مورد نیاز به‌موقع تولید کند و (همان‌طور که در اوکراین دیدیم) نمی‌تواند مقادیر زیادی مهمات مورد نیاز برای یک درگیری با قدرت بزرگ را تولید کند.» او به این موضوع اشاره کرد و در صحبت‌هایش به این بحران زرادخانه‌ای که آمریکا در آینده نزدیکی با آن مواجه می‌شود با تفصیلات بسیاری اشاره کرد.

در همین حال، تهدیدات جهانی در حال افزایش است. امروز، آمریکا با پرآشوب‌ترین محیط بین‌المللی در نزدیک به یک قرن اخیر در قالب

سه قدرت تجدیدنظرطلب مجزا مواجه است که هر کدام به‌دنبال گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی خود هستند و این کار را به قیمت نابودی غرب انجام می‌دهند.

اولین مورد چین است. طی دهه گذشته، تحت هدایت دبیرکل شی جین‌پینگ، جمهوری خلق چین (PRC) یک سیاست خارجی تهاجمی و پرمخاطره شدید را اتخاذ کرده است. این رویکرد جدید باعث شده است که چین به حاکمیت همسایگان خود تجاوز کند، تهاجمات اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای را به جنوب جهانی انجام دهد و به‌دنبال تغییر شکل هند و اقیانوس آرام به نفع خود باشد و تمام این موارد به سرعت بسیار چشمگیری در حال رخ دادن هستند.

دومین مورد روسیه است. با توجه به مشکلات فعلی آن در اوکراین، ممکن است وسوسه‌انگیز باشد که کرملین را به‌عنوان نیرویی که عمدتاً هزینه‌های بسیاری کرده است، کنار بگذاریم، اما با این حال، این یک اشتباه خواهد بود، زیرا دولت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، طرح‌های امپراتوری خود را در مورد سایر کشورهای همسایه کاملاً روشن کرده است. در نتیجه، دانشمندان مایکل کوفمن و آندریا کندال تیلور توصیه کرده‌اند، بسیار عاقلانه‌تر است که روسیه را به‌عنوان یک «قدرت پایدار» در نظر بگیریم که همچنان غرب را به چالش می‌کشد.

و بالاخره در این لیست سه‌تایی ایران حضور دارد. همین یک سال پیش، جمهوری اسلامی در یک

عقب‌نشینی قرار داشت، با اعتراضات بسیاری در داخل، کاهش اهمیت منطقه‌ای در نتیجه توافق ابراهام و افزایش فشار بین‌المللی به دلیل پیشرفت‌های هسته‌ای خود مواجه بود، اما امروز، وضعیت استراتژیک ایران به لطف سیاست ضعیف آمریکا در غرب آسیا و همچنین گسترش بی‌نظمی منطقه‌ای، به طرز چشمگیری بهتر شده و با افزایش ثروت استراتژیک ایران، جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی آن نیز افزایش یافته که اکنون تا قطب جنوب نیز گستره آن قابل مشاهده است.

هر سه این کشورها (همراه با کره شمالی سرکش) به‌شدت بیشتر و بیشتر در مورد همه چیز از تمرینات نظامی مشترک گرفته تا جنگ اطلاعاتی و فناوری‌های نسل بعدی هماهنگ می‌شوند. دامنه چالشی که این کشورها ایجاد خواهند کرد ترسناک است. هر کسی که در ماه آینده برنده ریاست کاخ سفید و آمریکا شود، باید طرز فکر آمریکا در مورد رقابت قدرت بزرگ را اصلاح کند تا بتواند به تهدید جمعی که اکنون از سوی مسکو، پکن و تهران ایجاد شده است، پاسخ مناسب بدهد. انجام این کار با پاسخ به یک سؤال سرنوشت‌ساز آغاز می‌شود: «آیا آمریکا هنوز آماده است تا به‌عنوان زرادخانه دموکراسی خدمت کند؟»

با نگاهی به شکاف‌های سیاسی کنونی مان، خودکامگان در مسکو، پکن و تهران به‌وضوح شرط می‌بندند که پاسخ «نه» است. این به ما بستگی دارد که ثابت کنیم اشتباه می‌کنند.

<https://shorturl.at/iMEU>

عملیات اطلاعات جهانی روسیه پیشرفت کرده است

که شخصیت‌های جعلی ایجاد می‌کنند و چالش‌رور هستند. قابل قبول بودن و تأثیر. شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی برای شناسایی این اشکال مبهم دستکاری، مناسب نیستند. ذینفعان بودجه روسیه اینفلوئنسرهای واقعی بودند و حساب‌های رسانه‌های اجتماعی آن‌ها خط‌مشی‌های اصالت‌پلترم را نقض نمی‌کند. آن‌ها عقاید آمریکایی‌های واقعی را بیان می‌کنند، حتی اگر آن‌ها همسوی روسیه باشند. با فرض اینکه هماهنگی بودجه و موضوعات در رسانه‌های اجتماعی صورت نگرفته است، این پلترم‌ها احتمالاً فایده‌بخش نسبت به اطلاعات فلابینی هستند که سازمان‌های اطلاعاتی یا سایر نهادها جمع‌آوری می‌کنند. این تخلفات عمدتاً خارجی هستند هم‌چنین عمدتاً توسط ادعایی برای ارتکاب پول‌شویی و نقض ادعایی قانون ثبت نمایندگان خارجی. در اینجا نیز یک واکنش چندجانبه ضروری است: بازسان منبع باز، روزنامه‌نگاران و جامعه اطلاعاتی آمریکایی می‌توانند با کشف این رفتار غیرقانونی کمک کنند و دولت آمریکایی می‌تواند با شرکای بین‌المللی برای افشای و در صورت لزوم، تحریم‌ها و سایر راه‌حل‌های حقوقی برای جلوگیری از عملیات آینده را تحمیل کند.

twitter.com/M3PQQ



خود را و ادوار کنند که ایده‌های کاملاً جدیدی را معرفی کنند، بلکه موضوعات مورد علاقه روسیه را برای گفت‌وگو به وضوح در گفت‌وگو رسانه‌های اجتماعی نشان می‌دادند و در عین حال آن‌ها را کمی بیشتر به سمت افراط‌های هیجان‌انگیز سوق می‌دادند. در یکی از نمونه‌های کیفرخواست، یکی از کارمندان شبکه «آرتی» از یک اینفلوئنسر خواست تا ویدیویی بسازد که در آن حدس و گمان می‌زند که آیا قتل عام داعش در مسکو واقعاً ممکن است توسط اوکرین انجام شده باشد یا خیر. خود اینفلوئنسرهای جناح

فازن پالیسی جاش گلدشتاین

سپتامبر، ماه شلوغی برای عملیات نفوذ روسیه و برای کسانی که وظیفه برهم زدن آن‌ها را داشتند، بود. پوشش خبری مجموعه‌ای از اقدامات دولت آمریکا نشان داد که روسیه از دامنه‌ها و شخصیت‌های جعلی، رسانه‌های اصلی، رسانه‌های واقعی به عنوان عوامل مخفی و تأثیرگذاران رسانه‌های اجتماعی برای تحریف گفت‌وگوهای عمومی در سراسر جهان استفاده می‌کند.

ما به عنوان محققین سوءاستفاده خصمانه از اینترنت، سال‌ها عملیات نفوذ رسانه‌های اجتماعی را ردیابی کرده‌ایم، رنه، یکی از ما، در سال ۲۰۱۷ توسط کمیته منتخب سنای آمریکا بررسی قرار گرفت تا مجموعه داده‌هایی را که جزئیات فعالیت آن‌ها را نشان می‌دهد، در فیس‌بوک، گوگل و توییتر را بررسی کند که اکنون به نام «کس شناخته می‌شود».

بیشتر محتوای شرکتی به نام «تنسی» بر موضوعات تفرقه‌انگیز مانند جنگ روسیه در اوکراین و موضوعات همیشگی مانند مهاجرت غیرقانونی و آزادی بیان متمرکز بود. اینفلوئنسرهای نظرات مشترک جناح راست را تکرار کردند. به نظر می‌رسد که اپراتورها سعی نمی‌کنند استعدادهای خریداری شده

جروزالم پست

پیشنهاد آمریکا به دولت نتانیاهاو

در ازای حمله نکردن به «اهداف خاص» در ایران

گزارش‌ها حاکی است که دولت آمریکا «بسته‌ای جبرانی» به اسرائیل پیشنهاد کرده تا اگر از حمله به «اهدافی مشخص» در داخل ایران خودداری کند، آن را دریافت خواهد کرد.

به گزارش جروزالم پست، طبق این گزارش، یک خبرنگار اسرائیلی از مقامات آمریکایی گزارش‌هایی دریافت کرده که واشنگتن این بسته جبرانی را به اسرائیل پیشنهاد داده تا در صورت خودداری از حمله به اهداف مشخص در ایران، آن را به دست آورد. پیش‌تر جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، مخالفت خود را با ایده حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای و نفتی در ایران اعلام کرده است. بسته ادعایی رسانه اسرائیلی، در جریان مذاکرات بین مقامات آمریکا و دولت یهود در باره چگونگی واکنش تلافی‌جویانه به حمله موشکی حکومت جمهوری اسلامی پیشنهاد شده است. بر اساس این گزارش، بسته شامل ضمانت کامل دریافت حمایت دیپلماتیک و همچنین یک بسته تسلیحاتی است و به طور مستقیم در ازای خودداری از حمله به اهداف خاصی در ایران پیشنهاد شده است.

ibit.ly/MUYob

سایر خبرها

تایمز اسرائیل

محدودیت علیه اسرائیل

به نفع حکومت ایران است

بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل، روز یکشنبه در تماس تلفنی با مانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، گفت: وضع محدودیت علیه اسرائیل به نفع جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های نیابتی‌اش است.

مکرون روز شنبه گفته بود که به منظور یافتن راه‌حلی سیاسی برای جنگ، باید صادرات سلاح‌های مورد استفاده در غزه به اسرائیل متوقف شود.

بر اساس بیانیه دفتر نتانیاهاو، او در این تماس تلفنی به مکرون گفت: «همانطور که [حکومت] جمهوری اسلامی از تمام اعضای محور تروریستی خود حمایت می‌کند، از دوستان اسرائیل انتظار می‌رود که از این رژیم حمایت کنند و اقدام به وضع محدودیت‌هایی نکنند که تنها موجب تقویت محور شرارت ایران خواهد شد». این بیانیه افزود: «نتانیاهاو تأکید کرد که اقدامات اسرائیل علیه حزب‌الله فرصتی برای ایجاد تغییر وضعیت در لبنان به سوی ثبات بهتر، امنیت و صلح در کل منطقه خلق می‌کند». رهبران دو کشور توافق کردند که در جریان سفر روز دوشنبه ژان-نوتل باروت، وزیر امور خارجه فرانسه به اسرائیل، گفت‌وگو در این زمینه ادامه یابد.

ibit.ly/7PzG

ایران، هدف اصلی است



فان پالیسی این فوکس جان ففرا

اسرائیل رهبر حزب الله را ترور کرده و بسیاری از اعضای آن را از طریق پیجرهای بمب گذاری شده و واکی تاکی ها کشته است. پس از یک کارزار بمباران برق آسا، اسرائیل این هفته بار دیگر به لبنان حمله کرد تا کارزار خود را علیه حزب شبه نظامی-سیاسی تشدید کند. در همین حال، این کشور به جنگ علیه حماس در غزه ادامه می دهد. هم چنین مناطق مختلف سوریه را بمباران و حتی به حوثی ها در یمن دور حمله کرده است. دولت اسرائیل هرگز سعی نکرده هدف بزرگ تر خود را پنهان کند: تضعیف حامی حماس، حزب الله و حوثی ها. اسرائیل به راستی علیه ایران می جنگد.

هفته گذشته، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، در سازمان ملل، نقشه ای از منطقه را با عنوان «شر» به نمایش گذاشت. بخشی از غرب آسیا را به رنگ سیاه نشان می داد که ایران، سوریه و عراق را در بر می گرفت و پایگاه هایی در لبنان و یمن داشت. تصور کنید روسیه به نحوی بمبی را به اتاق هتل ولودیمیر زلنسکی در واشنگتن دی سی قاچاق کرده و در سفر اخیرش موفق به ترور او شده باشد. آمریکا خوبی ممکن است از چنین حمله ای برای اعلان جنگ به روسیه استفاده کند. تنها چیزی که می تواند در دست واشنگتن بماند، زرادخانه هسته ای روسیه و پتانسیل نابودی جهانی است. ترور یکی از مقامات حماس در داخل

ایران توسط اسرائیل در پایان ماه جولای ممکن بود باعث یک جنگ همه جانبه شود، اگر زرادخانه هسته ای اسرائیل نبود. البته تهران تهدید به انتقام گرفت. انتقام آن برای حمله به مقرر ایران در سوریه که دو هفته بعد در اواسط ماه آوریل انجام شد، ممکن بود چشمگیر به نظر برسد: ۳۰۰ موشک و پهپاد به سمت اسرائیل هدف قرار گرفتند. پزشکیمان همچنین از آمادگی خود برای تلاش برای احیای توافق برجام خبر داد. آنچه او در جلسات خصوصی می گفت شاید مهم تر بود. به عنوان مثال، او قول داد که هر توافقی را که فلسطینی ها برای پایان دادن به درگیری با اسرائیل دوست دارند، بپذیرد که احتمالاً شامل راه حل دو دولتی است که ایران به طور

سنتی با آن مخالفت می کند، زیرا به معنای به رسمیت شناختن اسرائیل به عنوان یک کشور است.

در واقع، پزشکیمان پس از جایگزینی ابراهیم رئیسی که به طور ناگهانی در سانحه سقوط بالگرد در ماه می گذشته درگذشت، بی سروصدا مسیر متفاوتی را برای سیاست خارجی ایران ترسیم کرده است. یکی از نشانه های مهم تیمی است که او جمع کرده است. عباس عراقچی، رئیس تیم سیاست خارجی است که نقش کلیدی در تنظیم توافق برجام سال ۲۰۱۵ با آمریکا و سایر کشورها داشت. جواد ظریف، چهره تیم مذاکره کننده ایران در آن سال، اکنون معاون امور راهبردی رئیس جمهور است.

خطر تشدید تنش منطقه ای زیاد است. این هفته، ایران موشک هایی را به سمت اسرائیل شلیک کرد، هر چند که آسیب های محدودی وارد کرده است. اسرائیل بهانه ای می خواهد تا علیه ایران، به ویژه به مجموعه هسته ای آن، حمله کند. آمریکا رد پای نظامی خود را در منطقه به عنوان نشانه ای آشکار از آمادگی گسترش داده است. اگر چه اسرائیل اعلام کرده است که تهاجم خود به لبنان محدود خواهد بود، اما دولت به طور کلی اهداف حداکثری یعنی نابودی حماس و حزب الله را حتی در مواجهه با تردیدهای ارتش اسرائیل دنبال کرده است.

ibit.ly/RJfVOr

رئیس جمهور اسرائیل خواهان

«خیزش» مردم ایران علیه جمهوری اسلامی شد

موشک بالستیک به سمت اسرائیل شلیک کرد که به گفته مقامات، ۹۰ درصد آن ها قبیل از اصابت به خاک این رژیم، منهدم شدند و ۱۰ درصد باقیمانده نیز هیچ خسارت یا تلفات قابل توجهی بر جای نگذاشتند. این در حالی است که حکومت ایران در شبانگاه ۲۵ فروردین سال جاری نیز بیش از ۳۲۰ موشک بالستیک، کروز و پهپاد به سمت اسرائیل شلیک کرده بود که اکثریت این پرتابه ها توسط ائتلافی متشکل از اسرائیل، آمریکا، فرانسه، بریتانیا، و اردن پیش از رسیدن به مقصد منهدم شدند.

ibit.ly/Nr7qt

جدید به منظور حل منازعه جاری ناامید. هم زمان با اظهارات رئیس جمهور اسرائیل، جعفر یازلو، سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری، اعلام کرد «با توجه به محدودیت های عملیاتی پیش آمده» تمامی پروازها در فرودگاه های کشور از ساعت ۹ یکشنبه شب تا ساعت ۶ صبح دوشنبه لغو شده اند. به دنبال حمله موشکی سه شنبه ۱۰ مهر جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل، مقامات این رژیم تصریح کرده اند که این حمله را بدون پاسخ نخواهند گذاشت. حکومت ایران در این حمله ۱۸۰ فرود

تمام موارد در این زمینه هستیم». او یادآور شد: «این جنگ توسط امپراتوری شر [حکومت] ایران و نیابتی هایش علیه ما انجام شده است». رئیس جمهور اسرائیل افزود که هنوز ۱۰۱ گروگان اسرائیلی در اسارت به سر می برند و جنگ در لبنان و غزه علیه حزب الله و حماس در جریان است. به علاوه، ما در تلاش برای تغییر معادله و بازگرداندن امید به مردم منطقه هستیم. هرتزوک مقطع کنونی را «الحظه ای طلایی» برای قدرت های خواهان آینده ای بهتر برای غرب آسیا و پیشبرد ایده ها و طرح های

صدای آمریکا

اسحاق هرتزوک، رئیس جمهور اسرائیل، روز یکشنبه خواستار «خیزش» مردم ایران و لبنان علیه «امپراتوری شر» جمهوری اسلامی و گروه های نیابتی آن شد. به گفته او، همکاری اسرائیل و دیگر کشورهای منطقه می تواند منجر به تحقق آینده ای بهتر و ایجاد سازمانی مشابه ناتو به منظور جلوگیری از افراطی گری در غرب آسیا شود. هرتزوک در ارتباط با پاسخ احتمالی اسرائیل به حمله موشکی هفته گذشته جمهوری اسلامی به کشورش گفت: «سرگرم محاسبه

پیوستن رسمی چین به کریدور میانی



تایمز آسیای میانه

در هشتمین نمایشگاه بین‌المللی جاده ابریشم در شیآن در سپتامبر ۲۰۲۴ اعلام شد که چین به صورت رسمی تحت عنوان مشارکت شرکت حمل و نقل کانتینری راه آهن چین (CRIC) به کریدور میانی خواهد پیوست. این حرکت نشان‌دهنده اتکای بسیار زیاد به پتانسیل زیرساخت مسیر تجاری آسیای میانه است. تغییر مسیر چین به مسیرهای زمینی بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای دور شدن از مسیرهای دریایی معمول از طریق نقاطی مانند تنگه مالاکا است که خطراتی ژئوپلیتیکی دارد.

موقعیت جغرافیایی استراتژیک قزاقستان به‌طور طبیعی آن را برای تجارت چین ضروری می‌کند و پروژه‌های زیرساختی که در حال حاضر در حال انجام هستند، جزء کلیدی‌ترین پتانسیل کریدور میانی هستند که باید رقم خورند. در ماه جولای ۲۰۲۴، قاسم جومارت توکایف، رئیس‌جمهور قزاقستان، توافق‌نامه‌هایی با چین را با هدف توسعه بیشتر کریدور میانی، بهبود زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی تصویب کرد.

این کشور قبلاً زیرساخت‌های ریلی خود را ارتقا داده، بندر خشکی مانند خرگوس در مرز چین را مدرن‌سازی کرده و تسهیلات ترانزیتی در بندر آکتائو دریای خزر را گسترش داده است. افزایش جریان کالا از طریق قزاقستان مشهود است؛ بیش از ۲۱۲ قطار بلوک کانتینری تا سپتامبر ۲۰۲۴ از این کشور عبور کرده‌اند که پیش‌بینی می‌شود این تعداد تا پایان سال ۲۰۳۰ قطار عبور کند.

این ساخت‌وسازها و به‌ویژه مدرن‌سازی راه‌آهن‌های قزاقستان، با پیشرفت‌هایی که اخیراً به پایان رسیده در امتداد خط باکو-تفلیس-قارس (BTK) که آذربایجان را از طریق گرجستان به ترکیه متصل می‌کند، همراهی می‌کند. اکنون توسعه ظرفیت این خط از ۱ میلیون تن به ۵ میلیون تن در سال رسیده است. در نتیجه همه این تلاش‌ها، زمان سفر کالاها از چین به دریای سیاه به تنها ۱۰ تا ۱۲ روز کاهش یافته است که کارایی این کریدور را برجسته می‌کند. آذربایجان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در

این اکوسیستم اقتصادی دارد. بندر آلات باکو به‌عنوان یک نقطه ترانزیت حیاتی برای عبور کالا بین آسیای میانه و قفقاز جنوبی عمل می‌کند. همکاری آذربایجان با قزاقستان، گرجستان و ترکیه منجر به سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در گسترش تأسیسات بندری و ارتقاء سیستم‌های راه‌آهنی شده است. نتیجه این است که یک جریان روان‌تر و مطمئن‌تر کالا از چین به اروپا خواهیم داشت که آذربایجان موقعیت خود را برای تبدیل شدن به یک مرکز لجستیکی منطقه‌ای در دست می‌گیرد.

علاوه بر این، یک کنسرسیوم چینی اخیراً قرارداد ساخت بندر اعماق دریای آنا کلیا در گرجستان را که یک سایت مهم استراتژیک در لبه شرقی دریای سیاه است، منعقد کرده است. این پروژه ابتدا به یک کنسرسیوم گرجی آمریکایی واگذار شد، اما در سال ۲۰۲۰ به دلیل اختلافات سیاسی و حقوقی لغو شد. پس از یک روند جدید مناقصه در سال جاری، کنسرسیوم چینی به‌عنوان تنها پیشنهاددهنده ظاهر شد. اگر زیرساخت‌های پشتیبانی به اندازه کافی توسعه یابد و ظرفیت ترانزیت بار دریای سیاه به‌طور قابل توجهی افزایش یابد، آنگاه بندر آنا کلیا می‌تواند به یک گره حیاتی در کریدور میانی تبدیل شود و نقش آن در تجارت اوراسیا و تقویت اتصال منطقه‌ای را تقویت کند.

اتکای فزاینده چین به مسیرهای آسیای میانه، ترانس خزر و قفقاز جنوبی فقط به دلیل کارایی آن نیست. همچنین یک تنوع استراتژیک برای کاهش خطرات ناشی از بی‌ثباتی ژئوپلیتیک در سایر مناطق است. مسیرهای دریایی معمول از طریق نقاط خفه‌کننده دریایی و همچنین مسیرهای زمینی مانند کریدور شمالی از طریق روسیه، همه به دلایل مختلف مشکل‌ساز شده‌اند.

به دلیل پیچیدگی‌های ژئواکونومیک جهانی ناشی از جنگ مداوم روسیه علیه اوکراین، نه تنها چین، بلکه اروپا نیز در مورد قابلیت اطمینان کریدور شمالی ابراز نگرانی کرده است. کریدور میانه یک جایگزین برای دور زدن این خطرات ارائه می‌دهد و در عین حال از یکپارچگی لجستیکی پیچیده آسیای میانه استفاده می‌کند.

کریدور میانه علاوه بر مزایای اقتصادی و استراتژیک، مزایای زیست‌محیطی را ارائه می‌دهد. مسیرهای زمینی، به‌ویژه آن‌هایی که به راه‌آهن متکی هستند، نسبت به کشتیرانی دریایی در حفظ محیط زیست نیست بهینه‌تر هستند. بنابراین چین تغییر مسیر خود را به سمت حمل و نقل ریلی و چندوجهی در امتداد کریدور میانی به‌عنوان عنصری در سیاست‌های خود برای همسویی با اهداف پایداری جهانی نشان می‌دهد. این امر فرصت‌هایی را برای دیپلماسی عمومی موفق حول اهداف توسعه مبتنی

بر سازمان ملل فراهم کرده است. به نظر می‌رسد چین ممکن است در طرح‌هایی برای یکپارچه‌سازی و کارایی لجستیکی کریدور میانی در حوزه‌های فن‌آوری مانند سیستم‌های ردیابی پیشرفته، اشتراک‌گذاری بی‌درنگ داده‌ها و رویه‌های گمرکی یکپارچه مشارکت کند. قزاقستان، آذربایجان و گرجستان بر روی پلتفرم‌های دیجیتالی برای تسهیل عبور و مرورهای مرزی روان‌تر و کارآمدتر همکاری کرده‌اند. این موارد ضمن تضمین یکپارچگی کالا، تأخیرها را کاهش می‌دهند. چنین پیشرفت‌هایی همچنین رقابت آسیای میانه را به‌عنوان یک پیوند حمل و نقلی تضمین می‌کند.

ادغام چین در کریدور میانه مرحله کیفی جدیدی را در استراتژی تجاری این کشور نشان می‌دهد، جایی که نقش آسیای میانه برای آن ضروری می‌شود. این نشان‌دهنده ظهور قزاقستان و آذربایجان به‌عنوان بازیگران حیاتی در لجستیک اوراسیا است. کشورهایی که در این مسیر قرار دارند از سرمایه‌گذاری‌های چین و تلاش‌های خود برای مدرن‌سازی زیرساخت‌ها سود خواهند برد. برای آسیای میانه، کریدور میانی چیزی بیش از یک مسیر ترانزیتی است. این نشان‌دهنده دروازه‌ای برای یکپارچگی اقتصادی بیشتر و ثبات منطقه‌ای است.

<https://tinyurl.com/yo49u6pj>

چگونه بایدن و هریس غرب آسیا را به هرج و مرج کشاندند؟

سورینس
غرب آسیا

روزنامه
روزنامه سورینس



نیویورک پست ویکتور هانسون

زمانی که جو بایدن بر صندلی ریاست جمهوری آمریکا نشست، غرب آسیا آرام بود، اما اکنون این منطقه وسط یک جنگ چندجانبه گرفتار شده است.

پس از اتمام کار دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور پیشین آمریکا، غرب آسیا آنقدر آرام بود که تقریباً سه سال بعد، در ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۳، هشت روز قبل از حمله هفتم اکتبر حماس به اسرائیل، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی بایدن، هنوز می توانست به خود ببالد که منطقه غرب آسیا امروز آرام تر از دو دهه گذشته است. پس دقیقاً چه اتفاقی برای آن آرامش موروثی رخ داد که به هرج و مرج بی وقته کنونی رسیدیم؟

در پاسخ می توان گفت آنچه رخ داد در یک کلام این است که دست جمهوری اسلامی ایران برای اجرای اقدام های مخرب و تروریستی آن که در دولت ترامپ مهار شده بود، در دولت بایدن باز گذاشته شد.

دولت بایدن -هریس با بازنگری و طرح اقدامی پنج مرحله ای با تهران و نیروهای نیابتی اش از جمله حماس، حزب الله و حوثی ها مامشات و آن ها را تشویق کردند فعالیت هایشان را گسترش دهند. در نتیجه این رویکرد، رخ دادن چیزی مانند کشتار هفتم اکتبر و یک سال خشونت و درگیری پس از آن که غرب آسیا را فرا گرفت، اجتناب ناپذیر بود.

به نظر می رسد پنج اقدام بایدن و هریس به جسارت یافتن جمهوری اسلامی و متحدانش و در نتیجه آشوب های منطقه ای انجامید.

نخست، بایدن در مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۲۰ خود عربستان، متحد دیرینه آمریکا، را مورد غضب قرار داد و سیاست دولت های قبلی (اوباما و ترامپ) را لغو و از حوثی های تحت حمایت تهران در جنگ با سعودی ها حمایت کرد. وی همچنین پادشاهی سعودی را در جنگ با حوثی ها تحت فشار قرار داد. بایدن در ادامه حوثی ها را از لیست تروریستی آمریکا هم خارج کرد. افزون بر آن، در زمان

محدودسازی به تروریست های تحت حمایت تهران این پیام را داد که اکنون بین آمریکا و نزدیک ترین متحد منطقه ای آن فاصله افتاده است. این فرصت به ایران انگیزه های بیشتری داد تا آزمایش کند تا چه حد می تواند در حمله به اسرائیل با خیال راحت پیش برود.

اما این سوال مطرح است که چرا بایدن و هریس این طور ساده لوحانه عمل کردند و غرب آسیا را به آتش کشیدند؟

در پاسخ به این سوال شاید بتوان گفت آن ها تا حدی خوش باورانه تلاش داشتند مفهوم قدیمی و بی اعتبار دولت اوباما «تنش خلاق» را احیا کنند؛ یعنی قدرت دادن به ایران سرکش و نیروهای نیابتی آن برای جدال با اسرائیل و نظام های عرب میانه رو تا نوع جدیدی از موازنه قدرت در منطقه ایجاد شود. در عین حال، دولت بایدن از افزایش یهودی ستیزی در داخل آمریکا و ظهور گروه های قدرتمند و طرفدار فلسطین در دانشگاه های کشور غافل شد. بایدن و هریس تا حدی ساده لوح بودند که با چنین اقدام هایی سبب شدند سیاست های ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی شدت بگیرد. میراث بدخیم آن ها اکنون به فاجعه در غرب آسیا منجر شده است.

ibit.ly/OXiXb

به حمایت و ارائه تسلیحات به حماس، حزب الله و حوثی ها اختصاص داد تا به اسرائیل، آمریکایی ها و کشتیرانی بین المللی حمله کنند. به علاوه خیلی زود مشارکت با چین و روسیه را برای تشکیل یک محور جدید ضد آمریکایی آغاز کرد.

پس از آن نیز بایدن تصمیم به خروج ناگهانی نیروها از افغانستان گرفت و میلیاردها سلاح آمریکایی و همکاران این کشور را در افغانستان جا گذاشت. بنابراین، بازدارندگی آمریکا در غرب آسیا را عملاً از بین برد، دشمنان کشور را تحریک کرد و دوستان واشنگتن را به خطر انداخت. چهارم، دولت بایدن و معاونش هریس صدها میلیون دلار کمک به کرانه باختری و غزه را دوباره برقرار کردند، بدون آنکه هیچ تضمینی وجود داشته باشد که تشکیلات خودگردان فلسطین و حماس از اقدام های تروریستی دست برمی دارند.

پنجم، از آغاز بالا گرفتن تنش های اخیر، دولت بایدن -هریس فشار بر اسرائیلی ها را شروع کرد تا در واکنش به کشته شدن حدود ۱ هزار و ۲۰۰ اسرائیلی و پرتاب نزدیک به ۲۰ هزار موشک و پهپاد از سوی جمهوری اسلامی ایران، حوثی ها، حماس و حزب الله به اسرائیل، خویشتن داری نموده و «متناسب» عمل کنند. این

انتخابات میان دوره ای سال ۲۰۲۲، بایدن از عربستان خواست که قبل از انتخابات ماه نوامبر، نفت بیشتری برای کاهش قیمت های جهانی عرضه کند. این اقدام های خصومت آمیز برای یک متحد قدیمی در غرب آسیا، به نسخه ای برای آغاز هرج و مرج منطقه ای تبدیل شد.

دوم، بایدن -هریس «پیمان آبراهام»، ابتکار دولت ترامپ را کنار گذاشتند. این پیشرفت دیپلماتیک برای کشورهای عربی میانه رو که به دنبال تنش زدایی با اسرائیل بودند، الگوی موفق بود و به پایان دادن به دهه ها خصومت کمک کرد و سبب شد علیه تهدید مشترک جمهوری اسلامی ایران برای غرب آسیا اتحادی شکل بگیرد. سوم، بایدن به جمهوری اسلامی ایران التماس کرد که دوباره وارد معامله هسته ای شود؛ مامشاتی که عملاً تضمین می کرد تهران در نهایت به بمب اتمی دست خواهد یافت. بدتر از آن، دولت دموکرات آمریکا تحریم های نفتی علیه جمهوری اسلامی را کنار گذاشت و به ایران تقریباً ورشکسته امکان داد ۱۰۰ میلیارد دلار سود کسب کند. باج دهی ۶ میلیارد دلاری در مقابل آزادسازی گروگان ها را هم نباید از یاد برد. تهران که توانسته بود سود کلانی به دست آورد، بلافاصله میلیاردها دلار را

یوکرینسکا پراودا / ماریا یمتس

بررسی مدل آلمان غربی برای عضویت اوکراین در ناتو؟



از جمله ایده‌هایی که در غرب به‌عنوان سناریوهای ممکن برای پایان دادن به مرحله داغ کنونی جنگ در اوکراین و جلوگیری از جنگ جدید مورد بحث قرار می‌گیرد، این است که عضویت اوکراین در ناتو از مدل آلمان غربی پیروی کند. این امر به اوکراین تضمین‌های امنیتی می‌دهد و روسیه را منصرف می‌کند.

منبع: پراودا اروپایی به نقل از مقاله‌ای در فایننشال تایمز که در آن روزنامه نظرات دیپلمات‌های ناشناس و نظرات عمومی را در مورد سناریوهای احتمالی برای پایان جنگ و پیوستن اوکراین به ناتو جمع‌آوری کرده است.

جزئیات: این مقاله خاطرنشان می‌کند که هم در غرب و هم در کی‌یف به‌طور فزاینده‌ای این باور وجود دارد که تضمین‌های امنیتی معنادار برای اوکراین از سوی شرکای آن می‌تواند مبنای توافق برای پایان دادن به مرحله داغ کنونی جنگ باشد. در حالی که روسیه کنترل دوفاکتو بر سرزمین‌های اشغالی را حفظ می‌کند، اما همچنان سرزمین‌های قانونی اوکراین محسوب می‌شوند که به‌طور موقت اشغال شده‌اند و در صورت امکان، در آینده باید با ابزارهای دیپلماتیک بازپس گرفته شوند. یکی از دیپلمات‌های غربی که به‌طور ناشناس نقل می‌شود، پیشنهاد کرد که چنین تسلیم موقت سرزمین تنها گزینه ممکن برای اوکراین برای عضویت در ناتو است.

ینس استولتنبرگ، دبیرکل سابق ناتو در مصاحبه‌ای این هفته اشاره کرد که جنگ جاری و اشغال بخشی از خاک اوکراین لزوماً به این معنا نیست که عضویت کامل اوکراین از روی میز خارج شده است. استولتنبرگ وضعیت ژاین را یادآور

جدی پیوستن این کشور به ناتو باشد. او گفت: «اگر مرزبندی، حتی یک مرز اداری وجود داشته باشد، می‌توانیم [آن] را موقتی تلقی کنیم و اوکراین را به عضویت ناتو در سرزمینی که در آن زمان کنترل خواهد کرد، بپذیریم.»

مری ساروت، مورخ آمریکایی و کارشناس جنگ سرد نیز به این موضوع استدلال کرده و خاطرنشان کرده است که شرایط عضویت فردی برای برخی کشورها تطبیق داده شده است. به‌عنوان مثال، نروژ، یکی از اعضای مؤسس ناتو، ترجیح داد که میزبان پایگاه‌های اتحاد در خاک خود نباشد، در حالی که آلمان غربی با درک موقت بودن مرزهای پذیرفته شد. در نتیجه، اوکراین می‌تواند یک مرز مشروط برای تعیین خطوط دفاعی خود ایجاد کند و با شرایط اضافی موافقت کند. این‌ها ممکن است شامل محدودیت‌هایی برای استقرار دائمی نیروهای متحد و سلاح‌های هسته‌ای باشد، مگر در پاسخ به تهدید مستقیم حمله و تعهد به خودداری از استفاده از نیروی نظامی فراتر از این خط

مرزی، مگر در دفاع از خود. ساروت معتقد است که پیوستن «جزئی» اوکراین به ناتو، به تبعیت از مدل آلمان غربی، سناریویی امکان‌پذیر برای پیروزی مشروط است. این ترتیب به اوکراین حفاظت، آزادی و فرصتی برای توسعه و در عین حال منزوی نگه‌داشتن روسیه را می‌دهد. این نتیجه بهتر از منتظر ماندن ولادیمیر پوتین، حاکم کرملین است که از جاه‌طلبی‌های خود در مورد اوکراین دست بردارد یا اینکه روسیه به موفقیت‌های نظامی بیشتری دست یابد.

برخی از تحلیل‌گران نسبت به در نظر گرفتن جدی مدل آلمان غربی برای اوکراین هشدار می‌دهند و استدلال می‌کنند که برخلاف گذشته که مرزها توسط هر دو طرف به رسمیت شناخته می‌شد، وضعیت فعلی اوکراین هر روز شاهد تغییراتی در خط مقدم است. هم اوکراین و هم روسیه همچنان خواهان تغییر وضعیت موجود هستند و برخی از اعضای محتاط‌تر ناتو ممکن است هنوز تمایلی به تمدید ضمانت‌های ماده ۵ به اوکراین نداشته باشند.

twtr.to/Iw7zP

فازن پالیسی / ولی نصر

ایران می خواهد چه چیزی را اثبات کند؟



در روز اول اکتبر، برای دومین بار در سال جاری، ایران رگبار موشکی نزدیک به ۲۰۰ موشک به سمت اسرائیل پرتاب کرد. این بار، این حمله شامل موشک‌های پیشرفته‌تر و با پیش‌اطبار کمی بود. این موشک‌ها آسیب قابل توجهی وارد نکردند، اما نشان‌دهنده اراده و توانایی ایران برای حمله به اسرائیل و نفوذ به سیستم‌های دفاعی آن به روش‌های بالقوه مخرب بودند؛ بنابراین این یک نقطه عطف بزرگ در جنگ یک ساله غزه و همچنین امنیت و ثبات غرب آسیا گسترده‌تر در آینده است. چرا رهبران ایران اکنون این چنین گستاخانه با اسرائیل مقابله کردند و احتمال دارد ایران در آینده چگونه عمل کند؟

نزدیک‌ترین دلیل این حمله اخیر، انتقام‌گیری بود. ایران مدعی شد که به ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس توسط اسرائیل در تهران در ماه جولای و ترورهای اخیر حسن نصرالله، رهبر حزب الله و سردار عباس نیلفروشان از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیروت پاسخ داده است. فراتر از انتقام سخت، تهران به احتمال زیاد امیدوار بود که پس از یک سری موفقیت‌های چشمگیر نظامی و اطلاعاتی در لبنان که به شدت به حزب الله لطمه وارد کرده است، اقدامی بازدارنده در برابر سرسختی اسرائیل ایجاد کند. ایران جنگ اسرائیل و حماس در غزه را بازنشانی استراتژیک برای غرب آسیا می‌داند. این به معنای بازگشت وضعیت اسفناک فلسطینیان به صحنه اصلی بود و واکنش منطقه‌ای و جهانی به جنگ به سرعت یک معضل دیپلماتیک برای اسرائیل ایجاد کرد. از زمان حمله اولیه حماس در ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، تهران و متحدانش در به اصطلاح محور مقاومت به دنبال تعمیق این معضل و در عین حال اجتناب از یک جنگ منطقه‌ای بزرگ‌تر بوده‌اند که می‌تواند ایران را وارد تقابل مستقیم با آمریکا کند.

در مقابل، اسرائیل می‌خواهد با گسترش جنگ غزه و قرار دادن ایران و آمریکا در مسیر تقابل، خود را از معضل خارج شود. آمریکا حضور نظامی خود را در غرب آسیا برای حمایت از اسرائیل در برابر حملات ایران و حزب الله افزایش داده است و اگر رویارویی اسرائیل، حزب الله و ایران به جنگ علنی تبدیل شود، واشنگتن طرف اسرائیل را خواهد گرفت.

تهران به این نتیجه رسید که کشتن هنیه در قلب تهران و سپس ترور نصرالله در سنگر او در بیروت، برای کشاندن ایران در تله بود. از زمان ترور هنیه،

حزب الله و حوثی‌ها را در هم می‌کوبد و ایران را به چالش می‌کشد، حل کند. این یک جنگ طولانی و مستلزم دخالت آمریکا خواهد بود. جو بایدن در بیانیه خود پس از ترور نصرالله یا استفاده از بمب‌های ۲ هزار پوندی در یک منطقه مسکونی که چندین ساختمان بلند را با خاک یکسان کرد، اشاره‌ای نکرد. همچنین دولت آمریکا به بحران انسانی در لبنان که منجر به آواره شدن نزدیک به یک میلیون نفر در لبنان شده، اذعان نکرده است. به‌طور مشابه، واشنگتن با بمباران بندر حدیده و انبارهای سوخت یمن توسط اسرائیل مخالفت نکرد که عمیقاً بر یمنی‌هایی که از قبل در چنگال یک فاجعه انسانی هستند، تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد مقامات تهران بر این باورند که تنها استثنا برای بی‌وجدان بودن آمریکا، زمانی است که واشنگتن با چشم‌انداز جنگ منطقه‌ای قریب‌الوقوع روبرو می‌شود. خط مشی تهران این است که واشنگتن را با مجبور کردن بایدن به رویارویی با این سناریو وادار به عمل کند. برای واشنگتن نیز، استراتژی کنونی مدیریت بن‌بست در هر زمان تشدید تنش، از جنگی که از آن می‌ترسد جلوگیری نمی‌کند. برای آن، آمریکا باید متعهد به شکل دادن به پایان بازی درگیری باشد که غرب آسیا را ویران می‌کند، نه صرفاً واکنش نشان دادن به مسائل دیگر.

ibit.ly/ZNzUe

معضل ایران این بود که چگونه به استراتژی خود بدون بازی در دست اسرائیل ادامه دهد. تصمیم گرفت به ترور هنیه واکنشی نشان ندهد، اما با کشته شدن نصرالله نتوانست این کار را انجام دهد. انفعال تهران منجر شده بود به محکومیت گسترده دولت ایران، هم از طرف حوزه‌های انتخابیه در جهان عرب که معمولاً همدل ایران هستند و هم در داخل ایران، به‌ویژه در میان تندروهایی که از سیاست‌های منطقه‌ای این کشور حمایت می‌کنند. اتهامات خشم‌آلود مبنی بر کنار گذاشتن حزب الله و براندازی قبل از فشارهای اسرائیل، شوک‌کننده بود و رهبری ایران را برای اقدام سریع تحت فشار قرار داد. حمله موشکی روز سه‌شنبه یک مانور خطرناک بود، اما یک واکنش قابل پیش‌بینی نبود. این امر محاسبات پیچیده‌تری را در تهران نشان می‌دهد. پاسخ ایران به حمله اسرائیل به کنسولگری این کشور در دمشق در ماه آوریل که شامل پرتاب تقریباً ۳۰۰ پهپاد و موشک علیه اسرائیل بود، از تشدید بیشتر اسرائیل که به شکل ترور هنیه و نصرالله متعاقب آن بود، جلوگیری نکرد و بعید است که این حمله موشکی اخیر به‌طور قطعی اسرائیل را بازدارد.

ایران معتقد است که اسرائیل می‌خواهد همه مسائل امنیتی خود در منطقه را یک‌بار برای همیشه از طریق یک جنگ بزرگ‌تر که حماس،

• معاون حماس گفت: آنچه که اشغالگران در میدان نتوانستند به آن برسند را در میز مذاکره به آن‌ها نخواهیم داد.

• راند پاول، سناتور لیبرترین آمریکایی گفت: «هر اقدام تهاجمی به وسیله آمریکا علیه ایران، بدون اظهارنامه جنگ کنگره، برخلاف قانون اساسی خواهد بود. آمریکا در حال مذاکره درباره حمله به سایت‌های نفتی ایران است، در حالی که اسرائیل به لبنان حمله می‌کند.»

• نظرسنجی‌های یک سال گذشته به‌طور مدام نشان داده که که نسل‌های هزاره و نسل Z در آمریکا تمایل بیشتری برای احساس همدردی با فلسطین دارند و نسبت به آمریکایی‌های مسن‌تر، بیشتر خواهان کاهش کمک‌های کشورشان به اسرائیل هستند.

• رشیده طلیب، عضو فلسطینی تبار کنگره آمریکا، در ایکس نوشت: جنایات جنگی اسرائیل، توسط کشور ما تامین مالی می‌شود، در حالی که خانواده‌های آمریکایی از آوارگی به دلیل طوفان‌ها و فقر فرآیندها، رنج می‌برند. کشور ما گرفتار جنگ و ویرانی است.

• وزیر دفاع اسرائیل به حکومت ایران هشدار داد ممکن است به سرنوشت غزه و بیروت دچار شود و کسانی که تصور می‌کنند تلاش برای آسیب رساندن به دولت یهود، این رژیم را از اقدام باز خواهد داشت، باید به وضعیت غزه و بیروت نگاهی بیندازند. او در ارتباط با حمله موشکی هفته گذشته جمهوری اسلامی به اسرائیل گفت این حمله «حتی خراشی» به توانایی‌های نیروی هوایی وارد نکرد.

• در حالی که ارتش اسرائیل به موازات جنگ غزه، بر از بین بردن سران حزب‌الله لبنان نیز تمرکز کرده، برخی گزارش‌ها از پنهان شدن و بی‌خبری مطلق از یحیی سنوار، فرمانده گروه حماس، خبر می‌دهند. جروزالم پست نیز اعلام کرد که مقام‌های قطری درگیر در مذاکرات آزادسازی گروگان‌ها، به خانواده گروگان‌های اسرائیلی گفتند که یحیی سنوار، فرمانده حماس، ناپدید شده و دیگر با میانجی‌های قطری ارتباط برقرار نمی‌کند.

• پس از حملات هوایی اسرائیل به منطقه ضاحیه، گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه رژیم صهیونیستی در این حملات، هاشم صفی‌الدین، جانشین احتمالی حسن نصرالله را هدف گرفته است. منابع لبنانی نیز اعلام کردند هاشم صفی‌الدین پس از حمله اسرائیل در دسترس نیست. به‌علاوه، حملات اسرائیل به ضاحیه از روز جمعه، مانع از رسیدن نیروهای امدادی به محل حمله شده است. حزب‌الله لبنان نیز هنوز درباره زنده بودن یا کشته شدن این مقام ارشد گروه شبهه‌نظامی تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران بی‌بیانه‌ای منتشر نکرده است.

• آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، طی پیامی در آستانه سالروز حملات هفتم اکتبر حماس به اسرائیل، خواستار پایان فوری «خشونت و خونریزی» تکان‌دهنده در غزه و لبنان شد. وی در پیامش گفت: در این روز جامعه جهانی باید با بلندترین صدا بار دیگر اقدام شنیع حماس از جمله گروگان‌گیری را محکوم کند و زمان آزادی گروگان‌ها و خاموشی سلاح‌ها فرارسیده است.

• دو مقام ارشد امنیتی جمهوری اسلامی ایران به رویترز گفتند: از زمان حمله هفته گذشته اسرائیل به حومه بیروت، از اسماعیل قانعی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، هیچ خبری نیست.

• هلن کوردیان، خبرنگار صدای آمریکا و شهروند ارمنی لبنانی که به‌تازگی از لبنان بازگشته است، در گفت‌وگویی اذعان داشت: بمباران اسرائیل به‌منظور از پا در آوردن هاشم صفی‌الدین حتی از بمباران مرگبار علیه حسن نصرالله، رهبر پیشین حزب‌الله، نیز سنگین‌تر بوده است و کسی اجازه نزدیک شدن به این محل را ندارد. او گفت: حزب‌الله «حتی ذره‌ای وفاداری» به لبنان ندارد و «نیروی نیابتی شماره یک» جمهوری اسلامی ایران است.

• کانال ۱۲ اسرائیل اعلام کرد: وزیر امور خارجه فرانسه در تماسی تلفنی با هم‌تای اسرائیلی خود گفت‌وگوی تنیدی داشت و به او هشدار داد که به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله نکند.

• رئیس سابق سیا گفت: اگر اسرائیل به ایران حمله کند، تهران هم پاسخ خواهد داد. جنگ در غرب آسیا در نقطه حساسی قرار دارد. اقدامات آینده نشان می‌دهد که آیا یک جنگ تمام‌عیار قریب‌الوقوع خواهد بود، یا خیر. در حال حاضر صحبت‌های سختی از همه طرف‌ها وجود دارد.

• دکتر رامین پرهام، نویسنده ساکن فرانسه، در مورد خیانت و سرسپردگی رضا پهلوی و اپوزیسیون به اسرائیل گفت: اپوزیسیون و رضا پهلوی، وابسته و سرسپرده اسرائیل هستند و به همین دلیل از کشتار مردم بی‌گناه و حمله به ایران حمایت می‌کنند و به نتانیاهو دست‌مریزاد می‌گویند؛ محمدرضا شاه هم اینگونه بود، فهم درستی از مسائل منطقه نداشت.

• قیس قریشی، تحلیل‌گر سیاسی در لندن گفت: قدرت بازدارندگی ایران در نقطه استاندارد جهانی قرار گرفته؛ چه بخواهیم چه نخواهیم، دنیا این پیشرفت را پذیرفته است. عملیات وعده صادق ۲ نشان داد ایران کشوری نیست که آسیب زدن به آن آسان باشد! زیر سوال بردن هزینه‌هایی که برای بقا و امنیت کشور انجام شده، امری خطرناک است. هزینه‌های بقا قابل‌چرتکه انداختن نیست.

• کارشناس شبکه خبری ترکیه گفت: به شکست‌ناپذیری اسرائیل عادت کرده بودیم، اما جمهوری اسلامی این تصویر را شکست و باید اعتراف کنیم تنها دولت مسلمانی که این رژیم را زد، ایران بود.

• روزنامه گاردین نوشت: عملیات موشکی ایران ثابت کرد دفاع موشکی تل‌آویو آن‌گونه که تبلیغ می‌شد، نیست. ذخایر پدافند هوایی اسرائیل هم گران و هم محدود است. با تداوم این درگیری، اسرائیل در برابر حملات ایران آسیب‌پذیرتر می‌شود.

• یک منبع بلندپایه اردنی اخبار منتشره در رسانه‌های صهیونیستی در خصوص اجازه امان به اسرائیل برای استفاده از حریم هوایی این کشور در حمله به ایران را تکذیب کرد.

• تحلیل‌گران تونسسی اذعان داشتند: خطبه رهبر انقلاب و سفر عراقچی به بیروت، ابراز قدرت ایران در برابر تهدیدات نتانیاهو بود!

ایندیپندنت / علیرضا نوری زاده

قتل حسن نصرالله، انتقام ایران و پاسخ نتانیاها

علیه تونل‌های غزه به کار برد. این را می‌توان با مشاهده ستون‌های آتش ایجاد شده در اثر برخورد بمب‌ها با زمین همراه با این نکته که ساختمان‌های مجاور به‌سختی آسیب دیدند، ارزیابی کرد. در واقع طرح سرویس اطلاعاتی طبق برنامه و طی عملیاتی دقیق به‌خوبی اجرا شد. کارشناسان ستاد جنگ اسرائیل عمق نفوذ بمب‌ها و نقاطی را که نیروی هوایی می‌خواست به آن برسد، محاسبه کرده بود تا اگر نصرالله آنجا باشد، جان سالم به در نبرد. از روز شنبه، با افزایش انتقادهای طرفداران نصرالله از بی‌عملی جمهوری اسلامی، [آیت‌الله] خامنه‌ای سرانجام دستور حمله موشکی محدود به اسرائیل را صادر کرد. ۲۱۰ موشک از پایگاه‌های خرم‌آباد، ایلام و کرمانشاه و اغلب از پایگاه‌های زیرزمینی پرتاب شد. چهار موشک در ایران سقوط کرد و جز ۹۱ موشک، بقیه به آسمان اردن و اسرائیل نرسیدند. ۷۸ موشک شکار گنبد آهنین شدند، پنج موشک در جنگ فلاخن نابود شد، پاره‌های یک موشک در رام‌الله، مقر دولت خودمختار، یک فلسطینی را کشت و بقیه به خاک اسرائیل اصابت کرد. سلامی از خوشحالی به‌هوامی جست و می‌پرید. همه منتظر پاسخ اسرائیل بودند. اما نتانیاها جواب را به بعد عید ملی یهود موکول کرد و رهبر ایران و هاشم صافی‌الدین، جانشین بالقوه نصرالله را در وحشت باقی گذاشت. بایدن اسرائیل را از حمله به تاسیسات اتمی ایران منع کرد، اما «بی‌بی‌سی» شانه بالا انداخت. قتل نصرالله در جمع پیروانش به‌مراتب فراتر از قتل رئیسی و سردار سلیمانی بر مردم ایران و منطقه و حتی جهان تاثیر داشت. فعلا باید منتظر بازی بعدی باشیم که اسرائیل مشغول فصل بندی آن است.

ibit.ly/ktqrO

سرمحافظ او و محافظ نصرالله، با یک خودرو به محل اجتماع از پیش مقرر شده رسیدند و محافظ نیلفروشان از جمع جدا شد. در همان زمان، یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، هرتری هالوی، رئیس ستاد ارتش و تومر بار، رئیس نیروی هوایی، در مقر فرماندهی نیروی هوایی در «کریا» در تل‌آویو، جلسه را ردیابی می‌کردند و به هواپیماهایی که در آسمان بیروت آماده و مجهز به موشک‌های مورد نیاز بودند، فرمان شلیک دادند. روزنامه اسرائیلی یدیعوت آحارونوت نوشت: برای این عملیات، دقایقی پس از کسب اطلاعات دقیق در مورد موقعیت نصرالله در محله ضاحیه در جنوب بیروت مجوز داده شد، اما نیروی هوایی از قبل برای چنین عملیاتی آماده شده بود. با رسیدن اطلاعات موقعیت مکانی نصرالله، جنگنده‌های اسرائیلی که در آسمان لبنان در حالت آماده‌باش بودند، روی مجتمعی در عمق ۲۰ متری زیرزمین چندین بمب سنگرشکن انداختند. در واقع، نیروی هوایی اسرائیل هفته قبل از آن با در دسترس فوری قرار دادن هواپیماهای جنگی مسلح در هوا و ایجاد یک ستاد متحرک فضایی به‌صورت شبانه‌روزی در سراسر لبنان، آماده شده بود تا مقام‌های ارشد حزب‌الله را در هر پنجره‌ای که باز می‌شود، از بین ببرد. نصرالله پس از آسیب حذف زنجیره فرماندهان مجربش در روزهای اخیر، در مدیریت نظامی حزب‌الله حضور عملیاتی بیشتری نشان داد و به این ترتیب در تبرس اسرائیل قرار داشت. مخفی‌گاه نصرالله در اعماق زمین بود. بنابراین، مهمات ویژه‌ای انتخاب شد که می‌توانست به عمق زمین نفوذ کند و در آنجا به نقطه خاصی که انتخاب شده بود، برسد. همان گزینده‌ای که جورج بوش پسر در تورا بورای افغانستان و اسرائیل

گذشته‌های نزدیک و روابط ظهور و حضور اجنه در نبرد بین «ولایت حق و باطل ابدی» نقبی بزیم.

نحوه طراحی و اجرای قتل حسن نصرالله

اسرائیل سال‌ها بود که آماده می‌شد تا ضربه‌ای ویرانگر به حزب‌الله وارد کند، اما این فرصت در هفته‌ها و مهم‌تر از همه در روزهای اخیر به دست آمد و این بار علاوه بر کادر عملیاتی، کادر سیاسی و شخص سید حسن هم در صدر «حذفی‌ها» قرار گرفتند. پس از حملات «پیجر» و تجهیزات ارتباطی و ترور درجه‌یک‌های یگان رضوان (یگان نخبه حزب‌الله)، اسرائیل حس کرد که زمان وارد کردن بزرگ‌ترین ضربه یعنی کشتن حسن نصرالله فرا رسیده است. پس از آنکه ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل طرح‌ها را تهیه کردند، این طرح‌ها عصر چهارشنبه روی میز شورای وزیران امنیت و «هیئت وزیران» این رژیم قرار گرفت که آن را تصویب کرد و کابینه به بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر و یوآو گالانت، وزیر دفاع ماموریت داد تا این عملیات را انجام دهند. نتانیاها برای گمراه کردن بیشتر حزب‌الله، شامگاه چهارشنبه (بعد از تدارک پیامی دقیق و حساب شده برای مردم ایران و نظام) اعلام کرد که به آمریکا می‌رود، با اینکه قرار بود برای سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد روز پنجشنبه به آمریکا پرواز کند. اندکی قبل از ورود نتانیاها به سالن سازمان ملل برای سخنرانی، اطلاعات طلایی رسید که نصرالله به همراه تعدادی از رهبران حزب وارد مقر اصلی حزب در حومه پایتخت، بیروت، شده است. نتانیاها مستقیماً اجرای عملیات را تایید کرد. مطابق یک گزارش نسبتاً دقیق، نصرالله به همراه سردار نیلفروشان،

خروج حسن نصرالله از صحنه نمایش مقاومت البته ضربه جبران‌ناپذیری است و‌های وهوی سرداران صحنه تراژدی کمدی «جنگ، جنگ تا ظهور» هم‌ذره‌ای از ابعاد کشته شدن وی کم نمی‌کند. مردی که یک گروه کوچک تروریستی را به بزرگ‌ترین لشکر «پیش به سوی القدس» تبدیل کرد و طی ۳۰ سال با دریافت مبالغی نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار، کابوسی رعب‌آور را بر جان جهان و منطقه و به مرور فراتر از غرب آسیا سایه گستر کرد، نزد رهبر نظام جمهوری اسلامی و دیگر جان‌باختگان صحنه مقاومت جایگاه ویژه‌ای داشت. می‌گویند تدابیر امنیتی برای [آیت‌الله] خامنه‌ای بعد از ساعتی حضور در جلسه شورای عالی امنیت ملی تشدید شده است. حضور او در نماز جمعه ویژه هم‌زیر سایه ترس از حمله اسرائیل، همچنان ابهام‌آمیز است. برای وی، حسن نصرالله آنچنان جایگاهی یافته بود که شانه‌به‌شانه مجتبی در طرح‌های پیش‌رویش حضور داشت و شاید هیچ‌گاه باورش نمی‌شد که روزی جسد او را از زیر آوار بیرون آورند. نصرالله در حکایت «علی و مهدی» هم نقش خاصی داشت. به عبارت دیگر، سید حسن نصرالله یکی از میشران اربعه در اتصال «سید علی» به مهدی منتظر بود دولت اسرائیل به‌رغم داشتن امکانات حذف نصرالله، سال‌ها از کنار زدن او پرهیز داشت، چرا که از سوی عواملش در رهبری حزب، به این نتیجه رسیده بود که گرگ آشنا به‌مراتب بهتر از گرازهای ناآشنا است؛ اما از اکتبر گذشته، سید حسن در فهرست دشمنان خطرناک قرار گرفت. بگذارید خارج از تحلیل‌ها و تفسیرهای رایج این روزها، نخست به گزارش‌های مربوط به حادثه مهم قتل نصرالله نگاهی بیندازیم و بعد از آن به



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مركز مطالعات

Sourianc.com